

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن گویا: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • شماره: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: موسسه مطبوعاتی نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

شترت

روزنامه

شنبه ۲ آبان ۱۴۰۵
۱۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۲۴ اکتبر ۲۰۲۶
• **سال بیست‌وسوم**
• **شماره ۵۵۰۸**
• **۱۲ صفحه**
اذان ظهر تهران: ۱۱:۴۹
• **اذان مغرب ۱۷:۳۶**
• **اذان صبح فردا ۴:۵۵**
• **طلوع آفتاب ۶:۲۰**

یادداشت

زندگی به مثابه توریست



علی مرسلی

آیا تا به حال شده است ناگهان متوجه شوید زنده‌اید، وجود دارید و حس غریبی به شما دست بدهد؟
آیا شده یکباره، خود «زندگی‌کردن» و «وجودداشتن» برایتان عجیب شود؟
این حس چند بار به من دست داده است. اولین بار، روز ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بود.
در مزارع اطراف شهر سراپ، همراه گروهی نقشه‌بردار کار می‌کردم و شاخص نقشه‌برداری در دستم بود. ما چند نوجوان بودیم که به عنوان همکار نقشه‌بردارها کار می‌کردیم. از سر بازیگوشی، خرگوش‌ها را دنبال می‌کردیم. آن روز خرگوشی از زیر بوته‌ای بیرون پرید. وقتی دوستم به آن رسید و خواست بگیردش، خرگوش همان‌جا از پا افتاد و مرد. صحنه برایم عجیب بود؛ نه چندان غم‌انگیز، بیشتر عجیب. ناگهان، وسط دشتی سرسبز و پرمحصول، زیر آسمانی آبی و در فاصله چندمتری موجودی زنده، چیزی از جنس عدم را لمس کرده بودم. ناگهان حس کردم در سفری هستم؛ دور از جایی که پیش‌تر در آن بودم. همه چیز زیبا و شگفت‌انگیز به نظرم می‌رسید؛ بوته‌ها، کرت‌ها، آب روانی که از بین کرت‌های بوته‌های سیب‌زمینی می‌گذشت، صدای پرنده‌ها، صدای آب، آسمان و… . چند سال بعد، این جمله را از ابن‌عربی خواندم و با خودم گفتم: چه حس مشترکی، انگار جمله را با جان و دل می‌فهمیدم. البته برخلاف تفسیر فلسفی ابن‌عربی، برداشت من از این سخن بسیار روزمره‌تر بود:

«مِنْ أَضْعَبِ أَوَّالِ الْإِنْسَانِ فِرَاقُ الْاَوْطَانِ، فَمَنْ كَانَ وَطَنُهُ الْقَدَمَ فِی الْقَدَمِ كَانَتْ عُزْبَتُهُ الْوُجُودَ»
«از سخت‌ترین احوال انسان، جدایی از وطن‌هاست؛ پس هرکس وطنش در ازل، عدم بوده باشد، وجود غربت او خواهد بود» (محبی الدین ابن‌عربی، الفتوحات المکیة، ج ۴، ص ۳۷۰).
جهان هستی برای ما به‌مثابه سفری است، ما غریبیم و مسافر؛ چراکه پیش از این، در این جهان نبوده‌ایم و پس از آن نیز هرگز نه همین جهان، با همین تجربه و همین لحظه‌ها بازخواهیم گشت. شاید از همین رو، شگفت‌زده‌ماندن، کنج‌کاوی‌کردن و زندگی‌کردن همچون یک توریست، منطقی‌ترین سبک زندگی برای آدمی باشد؛ توریستی در جهانی که هرگز پیش از این در آن نبوده و هرگز نیز به آن بازخواهد گشت.

اقتصادخوانی

قایق‌هایی که به دریا می‌روند اما باز نمی‌گردند
اقتصادنویز گزارشی درباره وضعیت مردم جنوب تهیه کرده است. در این گزارش آمده برای بسیاری از اهالی جنوب، دریا پیش از آنکه مرز جغرافیایی باشد، محل کار و منبع درآمد است. نسل‌هایی از مردم این منطقه با صیادی زندگی کرده‌اند؛ شغلی که درآمد آن به فصل صید، شرایط آب‌وهوا و مقدار ماهی وابسته است. اکنون در روایت برخی ساکنان، عامل دیگری هم به این معادله اضافه شده است: امنیت. به گفته یک شهروند بندرعباسی، فعالیت صیادان در دوره جنگ با محدودیت‌ها و نگرانی‌های تازه‌ای همراه شده است. بعضی از آنها دیگر نمی‌توانند مانند گذشته به همه مناطق صید بروند. مسیرهایی که احتمال خطر یا درگیری در آنها وجود دارد، در انتخاب صیادان کنار گذاشته می‌شود و برخی ترجیح می‌دهند تنها در مناطق نزدیک‌تر فعالیت کنند. او توضیح می‌دهد که شماری از صیادان حتی شیوه کار روزانه خود را تغییر داده‌اند؛ کسانی که پیش‌تر شب‌ها هم به دریا می‌رفتند، حالا برای کاهش خطر، صید در روشنائی روز را ترجیح می‌دهند. آسیب به صیادی فقط در دریا باقی نمی‌ماند. کاهش فعالیت صیادان، محدودیت عرضه و افزایش هزینه‌های می‌تواند به بازار ماهی و میگو منتقل شود؛ بازاری که بخش مهمی از مصرف روزانه و فعالیت‌های اقتصادی خانواده‌های جنوبی به آن وابسته است. یکی از زنان ساکن بندرعباس که پیش‌تر در زمینه تهیه غذاهای دریایی فعالیت داشته، از تغییر محسوس قیمت‌ها سخن می‌گوید.

گاهی احساس می‌کنیم بعضی کلمه‌ها و مفاهیم در جامعه و برخوردهای ما گم شده‌اند. با خودمان فکر می‌کنیم شاید وجودشان می‌توانست خیلی از مسائل را حل کند. به‌تازگی پژوهشی منتشر شده است با عنوان «درآمدی بر شرف‌شناسی؛ راهکارهای عملی نهاده‌ینه‌سازی شرافت در سازمان‌ها و جوامع». گویا محققان این پژوهش، سیدسهیل فاضلی و الیاس میرهن نیز همین کمبود را حس کرده‌اند و به سراغ پژوهشی رفته‌اند تا ببینند آیا راهی برای بهترشدن شرایط هست. با سهیل فاضلی صحبت کرده‌ایم تا هم دلیل انتخاب کلمه «شرف» را از او بپرسیم و هم بیشتر درباره اندازه‌گیری این مفهوم بدانیم. این پژوهشگر درباره انتخاب کلمه «شرف» و شاخصه‌های آن می‌گوید: «مشاهده رنج‌ها، خسارت‌های جبران‌ناپذیر، هزینه و اتلاف انرژی و زمانی که افراد در زیست اجتماعی تجربه می‌کردند و در نتیجه از دست رفتن اعتماد به گروه‌ها، انجمن‌ها، اصناف و سازمان‌ها به دلیل دروغ، خیانت، کلاهبرداری، تجاوز، اختلاس، سهل‌انگاری، خودخواهی و سوءاستفاده برخی افراد از یک موقعیت اجتماعی، پرسش‌ها و دغدغه‌های جدی‌ای را به وجود می‌آورد؛ اینکه این مشکلات چرا به وجود می‌آید؟ بی‌اخلاقی و هرج‌ومرج رفتاری چه بر سر مردم و مراجعان و اعضای این گروه‌ها، انجمن‌ها و سازمان‌ها می‌آورد؟ بنابراین با رویکرد کاربردی و ارائه راه‌حل، سال‌ها پژوهش و مطالعه درباره واژه‌های شرف، کرامت نفس، عزت نفس، وجدان، آبرو و اتیکز، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی شرف و اخلاق، علم اخلاق را در کتاب درآمدی بر شرف‌شناسی جمع‌آوری کردم. زمانی که در زبان انگلیسی با واژه‌های honor و ethics و در زبان فارسی و عربی با واژه شرف مواجهه جدی‌تری داشتم، متوجه شدم شکاف بزرگی در برداشت از آنچه اخلاق اجتماعی و حرفه‌ای ترجمه می‌شود و فرهنگ و سازوکار آن وجود دارد. واژه شرف در جامعه ما دارای پتانسیلی استثنائی برای تحول فرهنگی، ساختاری نهادی و بازسازی اعتماد در جامعه است. از یک طرف، شرف واژه‌ای تداعی‌کننده حساسیت، خطوط قرمز، حیثیت و ناموس است و می‌تواند حس مسئولیت، تعهد و وجدان اخلاقی را زنده کند و از طرف دیگر، ماهیت اجتماعی آن می‌تواند اراده یک جمع را برای ارائه راهکارها متمرکز کند. در نهایت کلمه «شرف» انتخاب شد؛ چون یکی از بنیادی‌ترین واژه‌ها برای پیوند فضیلت و اعتبار فردی با تعهد اخلاقی-سازمانی و اعتماد و به‌وجودآمدن همکاری‌های بزرگ بود».

این پژوهشگر به نمونه‌های جهانی این پژوهش اشاره می‌کند و ادامه

ماجرای آسیب‌دیدن مخزن موزه هنرهای معاصر این روزها جژه دغدغه‌های اهالی هنر است. کامران دیببا به‌تازگی درباره آسیب یک‌میلیارددلاری به این موزه اظهار نگرانی کرده است. هرچند در کمال تعجب می‌شد در زمان جنگ نیز ایبن ابراز نگرانی را مطرح کرد. زیرا خطرهای زیادی در انتظار موزه قرار دارد؛ از خطر آسیب در جنگ احتمالی پیش‌رو تا آل‌نیبو و بارش‌هایی که ممکن است به این موزه رخنه کند. در ایام جنگ علامت سبیر آبی بالای این موزه قرار گرفت و ۲۰ اثر به‌طور اضطراری نجات داده شدند. از سویی موزه هنرهای معاصر تهران اکنون در نقطه‌ای ایستاده که سه ریسک در آن شاید به یک نقطه خاص رسیده‌اند؛ تغییرات اقلیمی و بارش‌های حدی، فرسودگی زیرساخت‌های یک ساختمان ۴۹ساله و ارزش استثنائی مجموعه‌ای که قیمت رسمی به‌روز آن حتی برای افکار عمومی روشن نیست. هرچند دو سال پیش در جریان بهسازی تمام لوله‌های فاضلاب «کاملاً زنگ‌زده» تعویض شد و حدود ۱۵۰۰ متر لوله و نزدیک به هزار متر کابل برق مورد استفاده قرار گرفت. در موزه‌ای با چنین جایگاهی، حفاظت نباید در لحظه حادثه سنجیده شود. استاندارد حفاظت از یک اثر تاریخی دقیقاً برای این است که پیش از آنکه آب وارد مخزن شود، رطوبت به بوم برسد و سیستم

می‌دهد: «پژوهش‌های دانشمندانی مانند فرانک استوارت هندرسون و کوامی آنتونی آپیا، نشان از نیاز ژرف بشر به ایجاد نظام‌های هنجاری برای ایجاد همکاری جمعی و انسجام جامعه در همه دوره‌ها دارد». او درباره «شرف» و تأثیر تغییر معانی این مفهوم بر پژوهش می‌گوید: «این پژوهش دعوت به بازاندیشی درباره مفهوم شرف، تفاوت آن با سایر واژه‌ها، شناخت ریشه‌های آن یعنی فضیلت‌ها و پیشنهاد راهکاری برای نهاده‌ینه‌سازی آن از طریق ساختار کمیته شرف است. بنابراین این کار مستلزم بازنگری به مفهوم شرف از تعاریف دوران سنتی مانند آبرو یا وجدان اخلاقی فرد به مفهومی پویا، مدرن و محصول توافق جمعی است.

در تعیین معیارهای و شاخص‌های «شرف»، کریستوفر مارلو می‌گوید: سرچشمه شرف، فضیلت است و از آنجا که شرف اعتباری است که یک جمع یا گروه شرف به یک عضو برای کوشش، الزام یا التزام به فضیلت‌های مدنظر خود قائل می‌شود، هر گروه شرفی می‌تواند استانداردهای اجرایی لازم را بر اساس فضیلت‌های مورد نیاز خود بررسی کند. شاید مفهوم خرد عملی ارسطو یا «فرونسیس» به پرسش‌هایی از خیر مشترک، انجام اعمال درست به شکل درست و در زمان درست بتواند بر جمعی را برای تعیین معیارها و شاخص‌های میرم و مورد نیاز در این زمینه راهنمایی کند».

اگر کلمه شرف یادآور موی سیبیل یا خوردن نان و نمک کسی و احساس ِ دین به او باشد، این وضعیت در محیط کار کاملاً متفاوت است و معیارهایی جهانی برای ارزیابی آن وجود دارد که این دو پژوهشگر به سراغ آن رفته‌اند. سهیل فاضلی در این‌باره اول تأکید می‌کند: «ویژگی‌های جامعه امروز نشان می‌دهد آنها به‌تنهایی کافی نبوده و نمی‌توان رعایت ارزش‌ها و اخلاق را تنها به افراد واگذار کرد و منتظر تشخیص و وجدان اخلاقی فردی آنها بود. با پیچیده‌ترشدن روابط و تعامل‌ها، محیط‌های کاری امروز مملو از موقعیت‌ها، دوراهی‌ها و پرسش‌های اخلاقی است. بنابراین علاوه بر تعیین اصول، ارزش‌ها و استانداردهای رفتاری با سازوکار دموکراتیک، برای چنین موقعیت‌هایی با استدلال و پرسش از تأثیر بر جامعه و افراد درگیر در موقعیت‌های مبرم اخلاقی الزاما باید توافق جمعی از درست و نادرست‌ها صورت گرفته و همه جمع

گزارش خوانی

موزه هنرهای معاصر زیر سایه جنگ و سیلاب

برق از کار بیفتد، سناریوی حادثه نوشته شده باشد، مسیر تخلیه مشخص باشد و اولویت آثار معلوم و مسئولیت هر تصمیم از پیش تعیین شده باشد. این موضوع قابل توجه است که در این گنجینه بیش از سه هزار اثر نگهداری می‌شود. اگر در سال ۹۷ میلانروزی ارزش مجموعه را حدود پنج میلیارد دلار و برآوردهای بالاتر را تا ۱۰ میلیارد دلار ذکر کرد؛ یورونیوز نیز در ۲۰۲۴ ارزش بیش از پنج میلیارد دلار را به نقل از برآوردهای موجود گزارش کرد. در مقابل، برآورد دیگری در ۲۰۲۵ ارزش مجموعه را حدود سه میلیارد دلار دانست. در جدیدترین گزارشی که این روزها منتشر شده، آوش به سراغ مدیر موزه هنرهای معاصر یعنی رضا دبیری‌نژاد رفته است. او گفت موضوع در جلساتی با شهرداری تهران، مدیریت بحران منطقه و جمعی از متخصصان و معماران بررسی شده و نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد در شرایط فعلی تهدید جدی سیلاب پیرامون موزه وجود ندارد. رضا دبیری‌نژاد گفت: «یکی از کارکردهای پنج‌گانه همه موزه‌ها، حفاظت است و حفاظت نیز سطوح مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین آنها حفاظت پیشگیرانه است. سیلاب از جمله بحران‌هایی است که نمی‌توان از پیش درباره شکل و شدت وقوع آن با قطعیت صحبت کرد تا بتوان بر اساس هر سطح از آن، یک راهکار مشخص



دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی گورستان تاریخی زاگرس سندج در دامنه کوه آیدر با هدف شناخت ابعاد تازه‌ای از پیشینه تاریخی این محوطه همچنان ادامه دارد. در جریان این کاوش‌ها، بقایای تدفینی متعلق به عصر آهن ۳ و شواهدی از معماری و استقرار در دوران تاریخی شناسایی شده است. یافته‌هایی که می‌تواند به شناخت بهتر پیشینه تاریخی و فرهنگی منطقه کمک کند. عکس: سیدمصطفی خیرضراریان، ایرنا

instagram:sharghdaily1
twitter:sharghdaily
youtube:sharghdaily
Telegram:SharghDaily
apararat:tasvirshargh
www.sharghdaily.com

مروری بر یک پژوهش ضروری در محیط کار

واژه شرف، پتانسیلی استثنائی برای بازسازی اعتماد دارد

کیسوفقهوری

با طی این فرایند تصمیم‌گیری، ملزم به رعایت آنها شود. روح حاکم بر گروگذاشتن تار سیبیل و نان و نمک باید در پیچیدگی‌های اجتماعی حال حاضر حفظ شود و ضمانات اجرایی داشته باشد». او سپس اشاره می‌کند: «زمانی که یک مفهوم با مرزبندی دقیق تعریف و ابعاد آن مشخص شود، احتمالاً می‌توان برای هر بُعد، سنجه‌ها و پرسش‌هایی کنی مطرح کرد. در رابطه با مفهوم شرف، بیل بولدینگ، دانشمند حوزه مدیریت و سازمان، به معرفی IDQ یا هوش شرافت پرداخت. او شرافت در محیط کار را با تعامل‌های محترمانه، رفتار با روش خوب، توسعه کارکنان، اعتماد دوطرفه، بازخورد شرافتمندانه، تبدیل چشم‌اندازها به تصویر بزرگ‌تر و گوش‌دادن فعالانه مورد سنجش قرار داد که در کنار IQ و EQ و سایر مهارت‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد. به‌طور کلی، در سازمانی با وجود کمیته شرف و دستور شرف، در نتیجه سازوکار آموزشی، مشاوره‌ای و بازدارندگی شامل هشدارها، مجازات‌ها و سلب صلاحیت‌ها، به صورت سیستماتیک ظرفیت‌های ارتقای استانداردهای رفتاری فعال می‌شود و حل تعارض‌های اخلاقی و در نتیجه اخلاقی‌تر زیستن بهتر لمس می‌شود. این موارد در نرخ تکرار تعهدات و انجام وعده‌ها و قول‌ها، شفافیت به جای کتمان خطا و فراقفنی، اعلام داوطلبانه، پذیرش مسئولانه و جبران خسارت خود را نشان داده و برآورده‌نشدن انتظارات، ناامیدی، خشم و ریزش در همکاری‌ها را کاهش می‌دهد».

در این کتاب، راهکارهایی عملی برای گسترش شرافت در محیط کار ارائه داده شده است. سهیل فاضلی می‌گوید: «گسترش شرف و حرفه‌ای‌گرایی، به معنای واقعی کلمه ضروری است و تقاضای آن در جامعه بسیار وجود دارد. یکی از شروط موفقیت خواستن، اراده جمعی برای فراتررفتن از صوری‌سازی و منشورهای صوری و رویه کمیته‌های انضباطی و ایجاد گام‌های کاربردی است». او درباره اجرایی‌شدن این ویژگی‌ها در محیط کار و بهبود شرایط و حال همکاران و افزایش بازدهی تأکید می‌کند: «یکی از پایه‌های مهم همکاری‌های پایدار و بلندمدت، اعتماد و احساس امنیت و احترام ناشی از نهاده‌ینه‌شدن فضیلت‌ها و شرافت در سازمان‌هاست. سازمان‌های انتفاعی و برنده‌ها، نهاده‌ینه‌سازی شرافت، نه‌تنها سبب ارتقای برند نزد مشتریان و برند کارفرمایی نزد کارکنان و کارجویان ارتباط می‌شوند، بلکه می‌توانند هر دو هدف بهبود وضعیت مالی و بهترشدن حال افراد را محقق کنند. برای تأیید این موارد، بی‌شمار پژوهش علمی و میدانی و تجربه‌های عملی وجود دارد».

خبرخوانی

هوش مصنوعی قضاوت خبرنگاران را زیر سؤال می‌برد؟

پژوهشگران بر این باورند هوش مصنوعی می‌تواند همه بخش‌های تهیه خبر را به‌جای بهینه‌سازی جداگانه، در یک چارچوب واحد به هم متصل کند. مقاله‌ای در یک ژورنال علمی منتشر شده و ایسنا بخش‌هایی از آن را ترجمه کرده است که طبق آن هوش مصنوعی می‌تواند بخش‌های مختلف رسانه‌ها را به هم متصل و کار خبرنگاران را سریع‌تر و دقیق‌تر کند.
ایسن مقاله با عنوان «اتاق‌های خبری یکپارچه با کمک هوش مصنوعی: چارچوبی واحد برای جریان‌های کاری رسانه‌ای مولد، چندوجهی و عامل‌محور» حدود یک سال پیش منتشر شده است و تشریح کرده چه تغییری در حال رخ‌دادن است.
پیش از این، فناوری‌های جدید فقط یک بخش از کار تهیه خبر را بهتر می‌کردند؛ مثلاً انتقال از فیلم به نوار یا از نوار به دیجیتال. اما هوش مصنوعی امروز می‌تواند همه مراحل کار خبر را به هم وصل کند؛ از جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل، تا نوشتن خبر، بررسی قانونی، تولید و انتشار در پلتفرم‌های مختلف. طبق اطلاعات و تحلیل این مقاله، هوش مصنوعی دقیقاً می‌تواند این کارها را انجام دهد: سرعت‌دادن به دریافت و پردازش اولیه محتوا، کمک به شکل‌دهی روایت خبر، تقویت راستی‌آزمایی، بررسی انطباق محتوا با قوانین، خودکارسازی تولید مجازی چنددوربینی، تطبیق محتوا برای پلتفرم‌های مختلف و تولید تیر و گرافیک مناسب برای مخاطبان گوناگون. نویسندگان ایسن مقاله معتقدند هوش مصنوعی می‌تواند تعامل مخاطب را با محتوا شخصی‌سازی کند و همچنین به طور خودکار سلامت و پایداری سیستم‌های رسانه‌ای را زیر نظر بگیرد و نکته قابل توجه در اینجااست که نویسندگان مقاله تأکید می‌کنند این چارچوب قضاوت خبرنگاران را «تقویت» می‌کند، نه اینکه جای آنها را بگیرد. هدف، افزایش یکپارچگی روزنامه‌نگاری و بالابردن بهره‌وری است.

روان‌خوانی

حق انتخاب برای کم‌رویی

آیا قرار است همه اجتماعی باشند و با هر غریبه و آشنا به‌راحتی سخن بگویند؟ حقیقت این است که قرار نیست همه انسان‌ها اجتماعی و برون‌گرا شوند، اما گاهی کم‌رویی سبب می‌شود افراد در محط کار خود دچار مشکلاتی شوند. یک مشاور به ایرنا می‌گوید: «یکی از مشکلات کم‌رویی در محیط کار این است که گاهی توانایی واقعی فرد دیده نمی‌شود. ممکن است فرد بسیار توانمند، ایده خوب و دانش تخصصی بالایی داشته باشد، اما در جلسه حرف نزند، درباره ایده‌اش صحبت نکند یا حتی برای گرفتن یک فرصت شغلی مناسب درخواست ندهد. در چنین شرایطی ممکن است دیگران تصور کنند این فرد انگیزه یا توانایی کافی ندارد، در حالی که واقعیت کاملاً متفاوت است. هدف این است که فرد بتواند توانمندی خودش را به شکل مؤثر نشان دهد؛ یعنی اگر لازم است در جلسه صحبت کند بتواند، اگر ایده‌ای دارد آن را مطرح کند و اگر حقی دارد از آن دفاع کند؛ حتی اگر کمی اضطراب داشته باشد». این متخصص با بیان اینکه بزرگ‌ترین سسد ذهنی فرد کم‌رو برای برقراری ارتباط، ترس از قضاوت و ارزیابی منفی دیگران است، می‌گوید: «فرد ممکن است مدام با خودش فکر کند «کنکد حرف بدی بزنم؟»، «کنکد صدایم بلرزد؟»، «کنکد دیگران متوجه اضطرابم شوند» و… . گاهی حتی قبل از اینکه وارد یک جمع شود، بارها در ذهنش گفت‌وگو را مرور می‌کند. مشکل اینجااست که فرد به‌جای اینکه روی خود ارتباط تمرکز کند، دائماً خودش را زیر نظر می‌گیرد؛ مثلاً به صدایش، حالت چهره‌اش یا واکنش دیگران توجه می‌کند». این مشاور تأکید می‌کند: «یکی از نکات مهم در درمان این است که فرد به‌تدریج بپذیرد ارتباط مؤثر با ارتباط بی‌تفاوت دارد. ما برای انسان بودن لازم نیست همیشه بهترین جمله را بگوییم یا هیچ‌وقت اشتباه نکنیم». او با اشاره به اینکه یک سوءتفاهم درباره مواجهه فرد با موقعیت وجود دارد، می‌گوید: «در مواجهه اصولی، ابتدا موقعیت‌هایی که فرد از آنها می‌ترسد شناسایی می‌شوند و معمولاً از موقعیت‌های ساده‌تر شروع می‌کنیم. برای یک فرد ممکن است اولین قدم فقط سلام‌کردن به یک فرد آشنا باشد. مرحله بعد پرسیدن یک سؤال ساده، بعد شروع یک گفت‌وگوی کوتاه و در مراحل بالاتر صحبت‌کردن در جمع باشد».

در نهایت اینکه بهتر است فرد آزادی انتخاب داشته باشد، یعنی اگر خواست سکوت کند، انتخاب خودش باشد و اگر خواست صحبت کند، ترس مانع او نشود.

یک حس

دانشمندان سیستمی مبتنی بر بینایی الکترونیکی توسعه دادند که رایجه‌های خاص نظیر بوی قهوه را شناسایی می‌کند و با صدور فرمانی به یک گجت پوشیدنی کوچک، مولکول‌های عطر متناظر با آن را در مقصد پخش می‌کند. انتقال اطلاعات بویایی در بستر دیجیتال و بدون محدودیت مکانی، از درون یک اتاق تا فواصل قاره‌ای، صورت می‌پذیرد. به نوشته ژورنال علمی ساینس ادونس ، سیستم یادشده Scentronic نام دارد و مسیر متفاوتی را برای اضافه‌کردن حس بویایی به تعاملات دیجیتال باز می‌کند. به زبان ساده، این سامانه ارتباط میان بویین چیزی در اینجا و بازآفرینی بوی منطبق با آن را در جایی دیگر برقرار می‌کند.

یک میلیون ربات

آمازون اکنون بیش از یک میلیون ربات در شبکه انبارها و مراکز توزیع خود به کار گرفته است؛ جهشی فناوریانه که در کنار افزایش سرعت تحویل کالا، پرسش‌هایی جدی درباره آینده اشتغال و ایمنی کارگران شاغل در انبارهای این شرکت را مطرح می‌کند. زرادخانه‌ای متشکل از بازوهای مکانیکی، ربات‌های باربر و سامانه‌های حجیم تفکیک کالا اکنون در کنار بیش از ۱٫۵ میلیون نیروی کار تمام‌وقت و پاره‌وقت فعالیت می‌کنند.